

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۵

یوحنا ۱۳:۲-۳:۳۶

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر دیوید ترنر است که در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا می‌باشد. این جلسه ۵، خدمت اولیه عیسی در اورشلیم است. یوحنا ۱۳:۲-۳:۳۶.

به پنجمین ویدیوی ما در مورد انجیل یوحنا خوش آمدید. ما به مقدمه‌ای بر کتاب و دو فصل اول نگاهی انداختیم. بنابراین اکنون عیسی را پس از اولین معجزه‌اش در قانای جلیل تا اولین سفرش در اورشلیم دنبال می‌کنیم.

بنابراین، ابتدا به جریان روایت نگاه می‌کنیم و سپس به برخی از موضوعات مهمی که در این فصل مطرح می‌شوند، می‌پردازیم. ابتدا به بررسی یوحنا ۲، آیه ۱۲ می‌پردازیم و سپس داستان نیکودیموس را بررسی می‌کنیم. متوجه می‌شویم که عیسی در حال گذار بین قانای جلیل و یهودیه است.

بنابراین، به ما گفته شده است که پس از انجام معجزه در قانای جلیل، آیه ۱۲، او به همراه مادر و برادرانش به کفرناحوم رفت و فقط چند روز در آنجا ماند. اما وقتی، در آیه ۱۳، تقریباً زمان عید فصح فرا رسید، آنها به اورشلیم رفتند. اولین چیزی که در آنجا اتفاق افتاد چیزی است که می‌توانیم آن را، به دلیل نداشتن اصطلاح بهتر، واقعه معبد بنامیم، جایی که عیسی افرادی را که در معبد معاملات مالی انجام می‌دادند، بیرون کرد.

دقیقاً مشخص نیست که چرا انجام این کار ضروری بوده است. مطمئناً نیاز به انجام معاملات مالی وجود داشته است، به طوری که پول بازدیدکنندگان خارجی باید تبدیل می‌شد و همچنین حیوانات قربانی باید خریداری می‌شدند. بنابراین، آنچه در آنجا اتفاق می‌افتاد، یک خدمت ضروری بود، یا محل آن یا نحوه انجام آن به شیوه‌ای نادرست، مشکل‌ساز بود، و حدس می‌زنم می‌توانیم نشانه‌هایی از آن را، در اینجا و آنجا، در روایت مربوط به آن ببینیم.

حتماً دیدن اینکه عیسی در آنجا نام‌ها را می‌برد و مثل همیشه کتک می‌خورد، تجربه بسیار جالبی بوده است. بنابراین او تمام افرادی را که از حیوانات قربانی مراقبت می‌کردند، بیرون راند، سکه‌های صرافان را پراکنده کرد و میزهایشان را واژگون کرد. او به کسانی که کبوتر می‌فروختند گفت: از اینجا بروید، خانه پدرم را به بازار تبدیل نکنید.

این باعث شد شاگردانش به یاد این عبارت در عهد عتیق بیفتند که «غیرت برای خانه‌ات مرا از پا در خواهد آورد». چند لحظه بعد بیشتر در مورد آن عبارت صحبت خواهیم کرد. بنابراین، پاسخی که داده شد عواقب این اتفاق در معبد، منجر به این شد که از عیسی این سؤال پرسیده شود، که کلمه مهمی در یوحنا بود، درست است؟ یهودیان به او پاسخ دادند: «چه نشانه‌ای می‌توانید به ما نشان دهید تا اقتدار خود را بر همه اینها ثابت کنید، تا این کار را انجام دهید؟» «به عبارت دیگر، چه کسی به شما حق داده است که این نوع عمل را اینجا در معبد ما انجام دهید؟ عیسی به آنها پاسخی داد که معلوم شد جمله‌ای بسیار مبهم است: «این معبد را ویران کنید، من سه روز دیگر دوباره آن را برپا خواهم کرد.» خب، بدیهی است که ساخت معبد مدت زیادی طول کشیده بود.

هیروдіس در حال بازسازی، نوسازی، گسترش، پهن کردن سکو و زیباسازی ساختمان‌های آن بود. آنها در آیه ۲۰ می‌گویند که ۴۶ سال است که در این مرحله مشغول به کار هستند و گفتند که شما آن را در عرض

سه روز نابود خواهید کرد. ظاهراً عیسی عمداً در اینجا مبهم صحبت می‌کرد، زیرا نظر ویراستاری که در آیات ۲۱ تا ۲۲ دریافت می‌کنیم نشان می‌دهد که او در مورد معبد، که بدن او بود، صحبت می‌کرد.

و پس از رستخیز او از مردگان، شاگردانش سخنان او را به یاد آوردند و به کتاب مقدس و سخنان او ایمان آوردند. بنابراین، این گفته، که در آیه ۱۹ پوشیده است: «سه روز دیگر آن را دوباره زنده خواهم کرد»، در نهایت برای آنها به یک کلام نبوی تبدیل می‌شود. بنابراین، با ادامه روایت، پس از آنکه داستان پاکسازی معبد توسط عیسی و تعامل او با رهبران به آن شکل رضایت‌بخش نبود، در پایان فصل دوم نکته بسیار جالبی داریم که ما را برای درک واقعه نیکودیموس که در ادامه می‌آید، آماده می‌کند.

در حالی که او در عید فصح در اورشلیم بود، بسیاری از مردم نشانه‌هایی را که او اجرا می‌کرد دیدند و به نام او ایمان آوردند. البته، یوحنا چیزی در مورد نشانه‌های خاص به ما نمی‌گوید. در آیه ۱۸ درخواستی برای نشانه‌ها وجود داشت و آیه ۲۳ می‌گوید که عیسی در حال انجام نشانه‌ها بود.

بسیاری از مردم آن نشانه‌ها را دیدند و بسیاری از مردم آن را باور کردند. اما آنچه از این گفته برمی‌آید برای بازی می‌کند pisteuo ما کمی گیج‌کننده است. این جمله کمی جناس در زبان یونانی است که با فعل

بسیاری از مردم نشانه‌هایی را که او انجام می‌داد دیدند و سپس به نام او ایمان آوردند، اما عیسی خود را به آنها واگذار نکرد. به اصطلاح، او به آنها ایمان نیاورد، زیرا همه مردم را می‌شناخت. او نیازی به شهادت در مورد بشر نداشت، زیرا می‌دانست در هر فرد چه چیزی وجود دارد.

بنابراین در اینجا در یوحنا اولین اشاره را داریم که ایمانی که مبتنی بر دیدن نشانه‌هاست، شاید به نوعی مشکوک باشد، یا ناکافی باشد، یا لزوماً آن چیزی نباشد که ما دوست داریم به عنوان یک ایمان کامل، بالغ و نجات‌بخش ببینیم. و سپس فکر می‌کنم این به ما اطلاعاتی می‌دهد که به ما کمک می‌کند بفهمیم نیکودیموس در فصل ۳ از کجا می‌آید. بنابراین، وقتی به فصل ۳ یوحنا نگاه می‌کنیم، این مرد، نیکودیموس، را می‌بینیم که آشکارا به عنوان یک معلم حاکم یهودیان توصیف شده است، کسی که مشهور بود، فردی با اعتبار و جایگاه در جامعه، کسی که عیسی بعداً در فصل ۳ می‌گوید، و آیا این آیه ۱۲ است؟ نه، آیه ۱۰، شما معلم اسرائیل هستید، و شما نمی‌فهمید من چه می‌گویم. بنابراین، نیکودیموس ظاهراً فردی مشهور بود، اما هنوز در درک عیسی بی‌اطلاع بود.

بنابراین، وقتی به روایت عیسی و نیکودیموس نگاه می‌کنیم، نیکودیموس ابتدا به دلیل نشانه‌هایش اشاره می‌کند که معتقد است عیسی باید معلمی باشد که از جانب خدا آمده است، که به نظر می‌رسد نیکودیموس را به مردمی که در پایان فصل ۲ به عیسی ایمان آوردند، مرتبط می‌کند. او سپس این تعریف را از عیسی می‌کند، و مطمئنم که عیسی از اینکه نمی‌گوید متشکرم، یا از این بابت از شما قدردانی می‌کنم، یا از اعتمادتان متشکرم، کاملاً عقب‌نشینی می‌کند. عیسی به سادگی می‌گوید، شما نمی‌توانید پادشاهی خدا را ببینید مگر اینکه دوباره متولد شوید. بنابراین، ما این تبادلات مکرر را بین عیسی و نیکودیموس داریم که منجر به عصبانیت تقریباً متقابل می‌شود، زیرا آنها واقعاً یکدیگر را خیلی خوب درک نمی‌کنند، و ما کمی بعدتر با جزئیات بیشتری به این موضوع خواهیم پرداخت.

بنابراین، ما روایت بین عیسی و نیکودیموس را تا آیه ۱۵ داریم. ظاهراً در آن مرحله، با شروع از آیه ۱۶، من در این فکر هستم که آیا این یک نظر ویرایشی است، نه دقیقاً سخنان مستقیم عیسی. حداقل باید اینطور که در دست دارم، حروف قرمز در آیه ۱۵ متوقف می‌شوند NIV باشد، زیرا در کتاب مقدس

حداقل این تفسیر آنها بود. من قبلاً در مورد این موضوع فکر کرده‌ام، و حتی در این فکر بوده‌ام که آیا حروف قرمز باید در آیه ۱۳ متوقف شوند، اما به نظر من به احتمال زیاد عیسی گفته است، همانطور که

موسی مار را در بیابان بلند کرد، پسر انسان نیز باید بلند شود، تا هر کسی که ایمان بیاورد، حیات جاودان داشته باشد. بنابراین، عیسی اینگونه روایت را با نيقوديموس به پایان می‌رساند، و واقعاً به ما گفته نشده است که آیا نيقوديموس سپس به عیسی می‌گوید، باشه، حالا فهمیدم، فکر می‌کنم، یا اینکه نيقوديموس هنوز سرش را تکان می‌دهد و از خود می‌پرسد چه اتفاقی دارد می‌افتد، با شک و تردید می‌رود، یا اینکه چه اتفاقی دارد می‌افتد.

نيقوديموس فقط معلق مانده است، اما نگران نباشید، او دوباره در فصل ۷ برمی‌گردد و ما دوباره او را آنجا خواهیم دید، و فکر می‌کنم بعداً در فصل ۱۹ برای بار سوم او را خواهیم دید. بنابراین، نظر سرمقاله یوحنا در آیه ۱۶، که احتمالاً تا آیه ۲۱ ادامه دارد، به نظر من روش تفسیری برای درک مصاحبه با نيقوديموس است. آنچه که ما باید از مصاحبه عیسی با نيقوديموس برداشت کنیم، آیات ۱۶ تا ۲۱ است، که خدا جهان را دوست داشت، او پسر یگانه خود را داد، تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود، عیسی به جهان نیامد تا جهان را محکوم کند، بلکه آمد تا جهان را نجات دهد.

متأسفانه کسانی که ایمان ندارند، از قبل محکوم شده‌اند، زیرا باور نکرده‌اند که نور از طریق عیسی به جهان آمده است، و نيقوديموس که به هر دلیلی شب هنگام نزد عیسی می‌آید، شخصی است که در این مرحله هنوز آشکارا در تاریکی است، و بنابراین ما این زبان استعاری نور و تاریکی را در انتهای فصل داریم. هر کس که با حقیقت زندگی کند، به نور می‌رسد، تا به وضوح دیده شود که آنچه انجام داده‌اند در نظر خدا انجام شده است، آیه ۲۱. در کتابی مانند یوحنا، فکر می‌کنم باید آیه ۲۱ را با توجه به آنچه در آیه ۲ گفته شده است، در نظر بگیریم، که نيقوديموس شب هنگام نزد عیسی آمد، و نيقوديموس پس، ببخشید، آیه ۲۱ به نوعی اشاره می‌کند که شخصی مانند نيقوديموس باید از تاریکی بیرون بیاید و به نور بیاید.

با نگاهی دوباره به مقدمه در مورد آنچه در مورد موسی و عیسی آمده است، متوجه می‌شویم که نيقوديموس پیرو موسی بود، یک پیرو بسیار برجسته موسی. اکنون او در موقعیتی قرار گرفته است که باید درک کند همانطور که تورات توسط موسی آمد، فیض و حقیقت نیز در نهایت از طریق عیسی آمد. اینکه نيقوديموس این موضوع را به طور کامل درک خواهد کرد یا خیر، هنوز مشخص نیست، اگرچه با بررسی کامل‌تر بقیه این انجیل، نکات بهتری در مورد نيقوديموس می‌بینیم.

بنابراین، بیایید لحظه‌ای وقت بگذاریم و نحوه‌ی بیان شده در یوحنا ۳ را مقایسه کنیم، مبنی بر اینکه خدمت عیسی و یوحنا به چه صورت بیان شده است. این اصلاً تعجب‌آور نیست زیرا قبلاً در فصل ۱ خوانده‌ایم که یوحنا گفت که او نور نیست، بلکه آمده است تا در مورد نور شهادت دهد. بنابراین، آیات ۳۶ این فصل، حالا می‌خواهم یک بار دیگر این را برای ما توضیح دهم ۲۲.

غسل تعمید در عئون نزدیک سلیم در جریان بود، مکان‌هایی که ما وقت زیادی برای روشن کردن آنها صرف نمی‌کنیم، و بحثی در مورد شاگردان یحیی، آیه ۲۵، و برخی یهودیان بر سر موضوع غسل تعمید آیینی. و به یحیی اشاره شد که عیسی افراد زیادی را غسل تعمید می‌دهد، و تقریباً برای القای این تصور که کلیسای او سریع‌تر از کلیسای شما در حال رشد است، پس نظر شما در این مورد چیست؟ یحیی در پاسخ به این سوال، در آیه ۲۷ گفت: «یک شخص فقط می‌تواند آنچه را که از آسمان به او داده شده است، دریافت کند.» می‌دانید که من گفتم من مسیح نیستم، من فقط پیش از او فرستاده شده‌ام.

و او خود را نه با داماد، بلکه با دوست داماد مقایسه می‌کند که شادی‌اش از کمک به داماد برای لذت بردن از عروسی‌اش ناشی می‌شود. بنابراین، یوحنا می‌گوید، او، عیسی، باید بزرگتر شود، من باید کوچکتر شوم، آیه جای تعجب است که آیا بقیه فصل، آیه ۳۱ به بعد، سخنان یحیی تعمید دهنده است یا باز هم ۳۰. یادداشت سرمقاله‌ای که آنچه را که از آیات ۲۱ تا ۳۰ می‌گذرد روشن می‌کند.

اگر چنین باشد، این الگویی بسیار شبیه به الگویی خواهد بود که در ابتدای فصل داشتیم. اگر چنین باشد همانطور که آیات ۳، ۱ تا ۱۵ مصاحبه بین عیسی و نیکودیموس را توصیف می‌کنند، و آیات ۱۶ تا ۲۱ دیدگاه ویراستاری را در مورد آن به ما نشان می‌دهند. بنابراین، به طور موازی، آیات ۲۲ تا ۳۰ مصاحبه یحیی تعمید دهنده و این یهودیان خواهد بود، و سپس آیه ۳۱ و بعد از آن، یحیی انجیل نویس، نویسنده تفسیر کتاب در مورد آن خواهد بود.

من معمولاً این را به عنوان دیدگاهی که باید در اینجا به آن نگاه شود، در نظر می‌گیرم. بنابراین، اگر اینطور باشد، پس یوحنا، یوحنا انجیل‌نویس، نویسنده کتاب، اظهار نظر می‌کند که کسی که از بالا می‌آید، بالاتر از همه است. کسی که از زمین است، متعلق به زمین است.

او به آنچه دیده است، به عنوان یحیی تعمید دهنده شهادت می‌دهد. هیچ کس شهادت او را نمی‌پذیرد. هر که آن را پذیرفته است، گواهی داده است که خدا راستگو است.

بنابراین، خواننده در این مورد به چالش کشیده می‌شود که آیا شهادت یحیی را بپذیرد یا خیر. کسی که خدا فرستاد، ظاهراً در آیه ۳۴، به عیسی اشاره دارد. او کلام خدا را بیان می‌کند زیرا خدا روح را بی‌حد و مرز عطا می‌کند.

در اینجا NIV، جمله‌ای بسیار کوتاه و مختصر، و ما در مورد برخی از مقدمات آن کنجکاو هستیم. در واقع کمی تفسیری عمل کرده است زیرا در واقع متن به سادگی می‌گوید، کسی که خدا فرستاده است، کلام خدا را آن را اینگونه تفسیر کرده است که می‌گوید پدر NIV. بیان می‌کند زیرا او روح را بدون محدودیت می‌دهد روح را بدون محدودیت می‌دهد.

آیه ۳۵، پس پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را به دست او سپرده است. خداوند به پسر به عنوان حیات جاودان ایمان دارد. هر که پسر را رد کند، حیات را نخواهد دید، بلکه خشم خدا بر او می‌ماند.

باز هم، روشی که آیات ۳۵ و ۳۶ این نکته را بیان می‌کنند بسیار شبیه به روشی است که آیات ۱۶ تا ۲۱ در مورد لزوم ایمان به عیسی بیان می‌کنند. بنابراین اگر این مورد باشد، ما به نوعی دو نیمه از این فصل داریم فصل ۳ آیات ۱ تا ۲۱، فصل ۳ آیات ۲۲ تا ۳۶، که ۳، ۱ تا ۲۰ با ۳، ۲۲ تا ۳۰ و ۳، ۱۶ تا ۲۱ با ۳، ۳۱ تا مطابقت دارند. حال که به جریان کلی این فصل نگاه کردیم، بیایید دوباره به طور خلاصه به ایده‌ای از ۳۶ وضعیت اورشلیم در آن زمان نگاهی بیندازیم.

عیسی وارد معبد شده است. ما دقیقاً مطمئن نیستیم که او چگونه وارد شده یا کدام یک از دروازه‌ها به این شکل بوده‌اند، اما او کار خود را برای سرنگونی صرافان و همه این کارها در جایی در آن منطقه انجام داده است. این نظریه وجود دارد که او یا این کار را در خیابان‌های بیرون معبد انجام می‌داد، جایی که مردم احتمالاً در امتداد ضلع جنوب غربی یا ضلع جنوبی که پله‌ها هنوز هم حفظ شده‌اند، وارد می‌شدند، یا شاید آنها برخی از این کارها را حتی در داخل محوطه معبد در به اصطلاح حیاط غیریهودیان انجام می‌دادند، جایی که تقریباً هر کسی می‌توانست وارد شود.

این موضوع از متن چندان واضح نیست، حداقل برای من در حال حاضر. بنابراین، با نگاه به تصویر امروز اورشلیم، کم و بیش از غرب، کمی به سمت شمال غربی، حدس می‌زنم. امروز دیوار غربی معروف را اینجا داریم، دیوار حائل ساخته شده توسط هیروود کبیر، که امروزه به عنوان محل دعا، دیوار ندبه شناخته می‌شود، جایی که بسیاری از گردشگران در آن حضور دارند و بسیاری از یهودیان هر روز در آنجا دعا می‌کنند تا خدا اسرائیل را نجات دهد.

نمای جنوبی معبد اینجا و پله‌هایی که به دروازه‌های معبد منتهی می‌شوند و زیر جایی که اکنون مسجد، الاقصی در انتهای جنوبی معبد است، قرار داشته‌اند. شاید ما به جایی نگاه می‌کردیم که آنها در این منطقه جایی که هنوز هم می‌توانید ببینید، پول را عوض کنید و حیوانات قربانی را بفروشید، همانطور که در یک لحظه متوجه خواهیم شد، بقایایی شاید از غرفه‌هایی در سطح خیابان که در دوران روم وجود داشته است با نگاه به همان منطقه از جنوب، پله‌هایی که لحظه‌ای پیش در مورد آنها صحبت می‌کردیم و ورودی‌های معبد که از زیر زمین بالا می‌رفتند و در داخل حیاط غیریهودیان ظاهر می‌شدند، در اینجا قرار دارند.

شاید این بازسازی به اندازه برخی از بازسازی‌هایی که من از این منطقه دیده‌ام دقیق نباشد، اما حالا ما از شمال غربی به شمال شرقی، باید بگوییم، به جنوب غربی نگاه می‌کنیم. بنابراین، دسترسی جنوبی به معبد از اینجا پایین است و دیوار ندبه باید اینجا در طرف دیگر محوطه معبد باشد. این بازسازی هنرمند از مکان مقدس و مقدس‌ترین مکان، خود معبد است.

این صحن غیریهودیان بود که به دیگران اجازه ورود داده می‌شد و صحن زنان، صحن مردان، و در نهایت تنها جایی بود که کاهنان می‌توانستند در اینجا فعالیت کنند و کاهن اعظم فقط سالی یک بار در روز کفاره می‌توانست وارد قدس الاقداس شود. بنابراین، یا در این منطقه بیرونی یا شاید بیرون در خیابان، صرافان و فروشندگان قربانی می‌رفتند. این عکسی است که من در سال ۲۰۱۴ هنگام بازدید از گوشه جنوب غربی معبد گرفتم. هنوز هم می‌توانید این نوع دیوارهای حائل را ببینید که برای نگه داشتن دیوار دیگر ساخته شده‌اند یا صرفاً برای محصور کردن مغازه‌ها ساخته شده‌اند.

و هنوز هم می‌توانید خاکستر فرورفته در سنگ را در آنجا ببینید. کامیون‌های حمل خاکستر خیابانی توسط سنگ‌هایی که رومی‌ها در سال ۷۰ میلادی از بالا به پایین پرتاب می‌کردند، خراب شدند و خیابانی را که قبلاً اینجا بود، امروز خراب کردند. شاید اینجا همان جایی باشد که خرید و فروش در آن انجام می‌شد، همانطور که در متن به آن اشاره شده است.

سپس برمی‌گردیم تا به متن به عنوان یک متن فکر کنیم، نه به عنوان جهان ارجاعی که به آن اشاره می‌کند. بنابراین، ساختار ادبی این فصل‌ها. ما قبلاً تا حدودی در مورد این مطالب بحث کرده‌ایم، اما به این خلاصه از آنچه فکر می‌کنم تا حدودی به آن پرداخته‌ام توجه کنید.

یک راه برای بررسی یوحنا ۳ این است که به روایت مصاحبه بین عیسی و نیکودیموس در آیات ۱ تا ۱۵ توجه کنیم و به دنبال آن به تفسیر سرمقاله در آیات ۱۶ تا ۲۱ توجه کنیم. بنابراین، نکته اخلاقی این داستان طبق گفته ویراستار اساساً این خواهد بود که ای عیسی، متأسفم که به اسلاید اشتباهی نگاه می‌کنم. ما ابتدا به ترتیب زمانی و الهیات نگاه می‌کنیم. بنابراین، سوال این است که پاکسازی معبد توسط عیسی اولاً چه زمانی اتفاق افتاد و ثانیاً چرا این کار را کرد؟

بنابراین، سوال این است که چه زمانی این کار را انجام داده است، آیا او این کار را در اوایل خدمت خود انجام داده است، همانطور که در اینجا به تصویر کشیده شده است، برخلاف روشی که انجیل‌های هم‌نوا دارند، یا اینکه در پایان خدمت خود انجام داده است، همانطور که انجیل‌های هم‌نوا دارند؟ بنابراین، آیا او این کار را هر دو بار در اوایل، مانند یوحنا، بعداً مانند انجیل‌های هم‌نوا انجام داده است یا اینکه او به سادگی یک بار این کار را انجام داده است، اگر فقط یک بار این کار را انجام داده باشد، یا یوحنا در حال تنظیم مجدد وقایع تاریخی است تا با قرار دادن آن در اوایل، یک نکته موضوعی را بیان کند یا انجیل‌های هم‌نوا این کار را انجام داده‌اند. من فکر می‌کنم اکثر مردم حتی از دیدگاه انجیلی نتیجه می‌گیرند که عیسی احتمالاً فقط یک بار در طول خدمت خود معبد را پاکسازی کرده است و این کار را در اواخر انجام داده است و همانطور که یوحنا این موضوع را در انجیل خود به جلو برده است، مطابق با روش قرار دادن مطالب، عیسی تمام این سفرهای مکرر به اورشلیم را انجام داده است که به ما نشان می‌دهد عیسی از اوایل

خدمت خود با رهبری یهودیان در اورشلیم مشکلاتی داشته است و تنش به تدریج تا آخرین حضور او در آنجا در یوحنا فصل ۱۲ افزایش یافته است.

بنابراین، من نتیجه می‌گیرم که او فقط یک بار در پایان خدمت خود معبد را پاکسازی کرد. پس چرا او معبد را پاکسازی کرد؟ کسانی هستند که می‌گویند عیسی صرفاً برای پاکسازی آنجا بود، یعنی هر اتفاقی که می‌افتاد خوب بود، فقط نیاز به یک تجدید حیات داشت و افرادی که این کارها را انجام می‌دادند را به سمت معنویت و صداقت سوق می‌داد، بنابراین او فقط در حال ایجاد یک جنبش اصلاحی کوچک بود تا اوضاع را کمی درست کند. از سوی دیگر، محققانی هستند که فکر می‌کنند عیسی آنجا بود تا کل تخریب معبد را به تصویر بکشد و با سرنگون کردن صرافان معبد و مغازه‌های کوچک، در اصل به آنها می‌گفت که این تصویر کوچکی از کاری است که رومی‌ها قرار است کمی بعد در سال ۷۰ میلادی انجام دهند، آنها قرار است کل سازه را ویران کنند.

من فکر می‌کنم اولین دیدگاه کمی بیش از حد سبک و دومین دیدگاه کمی بیش از حد سنگین است. من فکر می‌کنم هدف نهایی عیسی، تطهیر قوم خدا و تجدید حضور خدا در میان مردم است. بنابراین، وقتی به اشاره‌ای که در اوایل اینجا وجود دارد نگاه می‌کنیم، اینکه عیسی در مورد معبد بدن خود صحبت می‌کرد وقتی که در مورد چگونگی تخریب این معبد صحبت کرد و گفت که در سه روز آینده دوباره آن را برپا خواهیم کرد، و وقتی که بعداً در فصل بعدی ما با زن در کنار چاه سامره صحبت کرد و به او گفت که آنچه خدا به دنبال آن است، نه مکانی که در آن عبادت می‌کنید، بلکه روشی است که در آن عبادت می‌کنید.

وقتی به او گفت که خیلی مهم نیست که در کوه جرزیم عبادت کنی یا در اورشلیم، اگرچه اورشلیم مکان بوده است، زیرا خدا نجات یهودیان است، او می‌گوید که زمان فرا می‌رسد و اکنون زمانی است که مردم خدا را، با روح و حقیقت عبادت می‌کنند. بنابراین، عیسی با پاکسازی معبد با پاکسازی آن با بیرون راندن صرافان آشکارا، علیه فساد که در آن عمل رخنه کرده بود، بیانیه‌ای صادر می‌کند، عملی که به خودی خود یک عمل ضروری بود اما آشکارا به صورت غیراخلاقی انجام می‌شد. او همچنین بیانیه‌ای صادر می‌کند که به نظر من در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد، جایی که ما دیگر نگران این نخواهیم بود که یک شخص کجا عبادت می‌کند، آیا خدا را با روح و حقیقت می‌پرستد یا خیر.

همچنین می‌خواهیم قبل از رسیدن به فصل ۳، به این نکته اشاره کنیم که در فصل ۲ انجیل یوحنا چند اشاره مختلف به عهد عتیق وجود دارد که اگر وقت بیشتری داشتیم، با عمق بیشتری به آنها نگاه می‌کردیم مثلاً در فصل ۲ آیه ۱۶ به تبدیل خانه پدر به بازار اشاره شده است که ممکن است اشاره به فصل ۱۴ آیه زکریا باشد و همچنین در آیه ۱۷ که به نظر می‌رسد اشاره‌ای به مزمور ۶۹ آیه ۹ باشد: «غیرت برای خانه ۲۱ تو مرا خواهد سوزاند». اینها متون دیگری هستند که باید در متن اصلی خود مورد بررسی قرار گیرند و سپس توجه شود که چگونه این متون در عهد جدید باز یافت یا دوباره استفاده می‌شوند و چگونه شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دو متن در مطالعه بیشتر نمایان می‌شود، اما ما وقت کافی برای انجام همه این کارها را نداریم در حال حاضر سعی می‌کنیم فقط مروری بر کتاب داشته باشیم، بنابراین این کار را به شما واگذار می‌کنیم تا بیننده هر طور که نیاز می‌بیند، این کار را انجام دهد. خوب، حالا که به یوحنا ۳ می‌رسیم، جایی که چند لحظه پیش داشتیم از آن شروع می‌کردم، متأسفانه، ببخشید که الان واقعاً آنجا هستیم و وقتی این فصل را می‌خوانیم، نمی‌دانیم حروف قرمز کجا باید تمام شوند، به عبارت دیگر، سخنان خود عیسی در روایت کجا تمام می‌شود و نظرات راوی در مورد سخنان عیسی از کجا شروع می‌شود.

یک رویکرد رایج که به نظر من بسیار منطقی است، این است که آیات ۱ تا ۱۵ از باب ۳ را به عنوان گفتگو بین عیسی و نیکودیموس و سپس آیات ۱۶ تا ۲۱ را به عنوان تفسیر سرمقاله در نظر بگیریم. یوحنا در اینجا نه یحیی تعمید دهنده، بلکه یحیی انجیل نویس، نویسنده کتاب را می‌گوید. او بر این واقعیت تأکید می‌کند که عیسی پسر خداست، او آمده است تا ایمان را به بشریت بیاورد و داوری بر کسانی است که هنوز ایمان

نیاورده‌اند. بنابراین، این نمونه‌ای از چیزی خواهد بود که گاهی اوقات در یوحنا به عنوان آخرت‌شناسی تحقق یافته نامیده می‌شود.

ایمان و داوری چیزی نیستند که در آخرالزمان، در داوری نهایی، آشکار شوند. زندگی و مرگ، ایمان و کفر رستگاری و داوری چیزی هستند که از قبل با حضور عیسی در تاریخ آغاز شده‌اند. بنابراین، کسی که به عیسی ایمان نیاورده است، طبق این مطالب، از قبل محکوم شده است. بنابراین، ما روایت و سپس نظر ویراستار را در مورد آن داریم.

همین موضوع در بخش دوم این فصل، روایتی درباره یحیی و آزار و اذیت داریم، اختلافی که از یحیی درباره آن پرسیده شد و منجر به اظهارنظر او درباره اینکه او نه تنها فرد اول، بلکه دومین فرد در قدرت است، به عبارت دیگر، کسی است که به عیسی اشاره می‌کند، نه خودِ اولویت. بنابراین، این بحث درباره یحیی و تطهیر و جایگاه نسبی یحیی در مقایسه با عیسی، در نهایت به نظرات ویرایشی آیات ۳۱ تا ۳۶ منجر می‌شود و سپس در مورد اینکه چگونه عیسی کسی است که خدا روح را بر او فرستاده است، روح بر عیسی باقی می‌ماند و عیسی کسی است که باید با دقت به او نگاه کنیم. بنابراین، ما این الهیات تثلیثی ضمنی را در فصل ۳ یوحنا می‌بینیم که در آن پدر، عیسی را با ظرفیت نامحدود روح مجهز می‌کند و عیسی نماینده پدر است که توسط روح القدس فعال شده است.

خب، جریان یوحنا ۳:۱ تا ۲۱ را بررسی می‌کنیم، سپس برای اینکه کمی بیشتر به جزئیات نیمه اول فصل پردازیم، به آیات ۳:۱ تا ۲۱ نگاه کردیم که شامل مکالمه در آیات ۳:۱ تا ۱۵ و تفسیر سرمقاله در آیات ۲۱ می‌شود. بیایید برگردیم و آن بخش را به طور جداگانه بررسی کنیم. ما نیکودیموس و عیسی را ۳:۱۶ تا ۲۱ داریم که به نوعی سه تبادُل نظر دارند.

اول، نیکودیموس وارد می‌شود و می‌گوید که ما می‌دانیم تو یک معلم هستی و از جانب خدا آمده‌ای. خب، خیلی چیزها را گفته، خیلی چیزها را درست گفته، تا جایی که می‌دانست درست می‌گوید، اما همانطور که می‌گویند، انگار داشت با ستایش‌های ضعیف، عیسی را نفرین می‌کرد. بنابراین، عیسی حتی تصدیق نمی‌کند که نیکودیموس گفته است که او یک معلم است و از جانب خدا آمده است.

عیسی به او می‌گوید که تا دوباره متولد نشوی، نمی‌توانی پادشاهی خدا را ببینی. بنابراین، آن سوء تفاهم اولیه در مورد هویت عیسی منجر به مشکل بعدی می‌شود که پیش می‌آید و آن این است که اظهارات عیسی در مورد تولد دوباره توسط نیکودیموس درک نمی‌شود. بنابراین، نیکودیموس کاملاً نمی‌فهمد که عیسی کیست و ثانیاً نیکودیموس قطعاً منظور عیسی را از اینکه می‌گوید دوباره متولد شو، نفهمیده است.

بنابراین، در آیه ۴، نیکودیموس می‌گوید چگونه می‌توانی در حالی که پیر هستی، دوباره متولد شوی؟ مطمئناً آنها نمی‌توانند برای بار دوم وارد رحم مادر خود شوند تا متولد شوند. بنابراین، نیکودیموس در درک منظور عیسی از تولد تازه مشکل دارد. بنابراین، عیسی در آیه ۵ پاسخ می‌دهد که هیچ کس نمی‌تواند وارد پادشاهی خدا شود مگر اینکه از آب به روح متولد شود.

بنابراین، عیسی اکنون کمی در مورد منظورش از تولد دوباره به عنوان تولد از آب در روح توضیح می‌دهد. جسم، جسم را به وجود می‌آورد، روح، روح را به وجود می‌آورد. نباید از این گفته من تعجب کنید که شما باید دوباره متولد شوید.

باد هر جا که بخواهد می‌وزد. صدایش را می‌شنوی. نمی‌توانی بگویی از کجا می‌آید یا به کجا می‌رود.

بنابراین، هر کسی که از روح متولد می‌شود نیز همینطور است. بنابراین، عیسی آب و روح را با تجدید حیات از جانب خدا مرتبط دانسته است و نیکودیموس با این موضوع مشکل دارد. او این را نمی‌فهمد.

بنابراین، سومین مکالمه در آیه ۹ آغاز می‌شود، زمانی که نیکودیموس به سادگی می‌گوید چطور ممکن است چنین چیزی باشد؟ او در اینجا اصلاً با عیسی همراه نیست. بنابراین، عیسی با گفتن اینکه به عنوان یک معلم اسرائیل باید این را بدانی، به او پاسخ می‌دهد. تو مسئولیت داری که قوم خدا را شبانی کنی و حقیقت را به آنها بیاموزی و عیسی در اینجا تلویحاً به نیکودیموس می‌گوید که تو این کار را انجام نمی‌دهی.

بنابراین، عیسی سپس این را در همین راستا به نیکودیموس ادامه می‌دهد: اگر وقتی در مورد این چیزهای زمینی مانند تولد، صحبت از اصطلاحاتی مانند آب صحبت می‌کنم، متوجه منظور من نمی‌شوی، پس چگونه می‌خواهی چیزهای آسمانی را به دست آوری؟ و هیچ کس هرگز به آسمان نرفته است، مگر کسی که از آسمان آمده باشد، که همان عیسی باشد. وجود پیشین عیسی که به آن اشاره شده است، ابتدا به وضوح در مقدمه آموزش داده شده است و همانطور که موسی مار را در بیابان بلند کرد، پسر انسان نیز باید بلند شود، که اشاره به یک رویداد عهد عتیق دارد که بدون شک نیکودیموس با آن آشنایی داشته است. در پایان می‌گوید که هر کسی که به او ایمان آورد، می‌تواند حیات جاودان داشته باشد.

این پاسخ نهایی به سوال نیکودیموس در مورد تولد تازه خواهد بود. منظور شما از تولد تازه چیست؟ منظور عیسی از تولد تازه این است که هر کسی که به او ایمان بیاورد، حیات جاودان خواهد داشت. بنابراین، ظاهراً روایت بین عیسی و نیکودیموس در اینجا به پایان می‌رسد.

تا جایی که ما می‌دانیم، نیکودیموس به همان اندازه که هنگام آمدنش گیج بود، شاید هم بیشتر، گیج است. او فکر می‌کرد که تا حدودی عیسی را می‌فهمد و هر چیزی که به عیسی می‌گفت، او را بیشتر در مشکلات و سوء تفاهم‌ها فرو می‌برد. بنابراین مطمئنم که با خودش فکر می‌کرد که اصلاً چرا زحمت رفتن به آنجا را به خود داده است.

یا شاید نه. شاید روح القدس از قبل در قلب نیکودیموس شروع به کار کرده بود. او کم کم داشت این چیزها را می‌دید و دیدگاه مثبت‌تری نسبت به عیسی در او شکل می‌گرفت.

یکی از آنها که او را به گفتن آنچه در جلسه سنهدرین در باب ۷ یوحنا گفت سوق می‌دهد، که در نهایت در این مجموعه ویدیوها به آن خواهیم پرداخت. اکنون به سوالات تفسیری می‌پردازیم که باید در یوحنا ۳ به آنها توجه کنیم. اول از همه، منظور از «تولد از آب و روح» چیست؟ من مطمئن نیستم که بسیاری از محققان کتاب مقدس این موضوع را بهتر از خود نیکودیموس در زمان نگارش اولیه متن درک کرده باشند. کسانی هستند که به ما می‌آموزند منظور عیسی از این جمله، هم تولد طبیعی و هم تولد روحانی بوده است.

آنها به ما می‌گفتند منظور عیسی از نیکودیموس این بود که همانطور که از نظر فیزیکی متولد شده‌اید، باید از نظر روحانی نیز متولد شوید. آب به تولد طبیعی اشاره دارد، همانطور که اغلب در مورد داستان‌های تولد می‌شنوید، مایع آمیوتیک پاره می‌شود و سپس توسط روح متولد می‌شوید. به نظر من مشکل این توضیح این است که تا جایی که من می‌دانم، عبارت «زاده شدن از آب» در منابع باستانی به تولد طبیعی فیزیکی اشاره ندارد.

فکر نمی‌کنم این عبارت در گذشته واقعاً چنین معنایی داشته باشد. اینکه ما از پاره شدن کیسه آب یک زن در زمانی که خیلی به زایمان نزدیک است صحبت می‌کنیم، نباید در این متن تفسیر دیگری داشته باشد. در وهله اول، این تعبیر نسبتاً بی‌ضرری است.

فکر می‌کنم بعضی‌ها آن را تکرار مکررات می‌نامند. همه می‌دانند که برای تولد دوباره، باید یک بار متولد شده باشید. چطور چنین تعلیمی می‌توانسته باشد که نیکودیموس نمی‌توانسته آن را بفهمد؟ من نمی‌خواهم چنین دیدگاهی داشته باشم.

فکر می‌کنم این یکی از مواردی است که معمولاً می‌شنوید، اما فکر نمی‌کنم موضوع اصلی این باشد. دیگران آن را به تعمید آب و غسل تعمید مسیحی ربط می‌دهند. مشکل این است که خیلی بی‌ربط و نامناسب است.

واضح است که عیسی به عنوان معلم اسرائیل نمی‌توانست از نیکودیموس انتظار داشته باشد که از غسل تعمید مسیحی اطلاع داشته باشد. عیسی می‌توانست از نیکودیموس انتظار داشته باشد که از نحوه استفاده از آب در مراسم طهارت در یهودیت کتاب مقدس مطلع باشد. او مطمئناً با آن در یهودیت معبد دوم و آداب و رسوم مختلفی که برای طهارت به کتاب مقدس اضافه شده بود، آشنایی زیادی داشته است.

به عنوان یک فریسی، او شاید بسیاری از سنت‌های عهد عتیق در مورد پاکی کاهنان را پذیرفته و آنها را در مورد خود به عنوان یک فریسی به کار می‌برد، و شاید حتی تا حد شستشویهای اضافی قبل از غذا، همانطور که در متی فصل ۱۵ به آن اشاره شده است. نیکودیموس چیزهای زیادی در مورد آیین‌های آب و پاکی می‌دانست، و حداقل پاکی آیینی، اینکه آیا او آن را از نظر تطهیر واقعی از نقض اخلاقی گناه می‌دانست، شاید سوال دیگری باشد. بنابراین، نه غسل تعمید آب مسیحی، بلکه شاید عیسی سعی داشت او را به فکر پاک شدن با آب، به ویژه تطهیر یحیی، وادار کند، زیرا یحیی تعمید دهنده مردم را در آب غسل می‌داد تا آنها را برای ملاقات با مسیح آماده کند.

شاید کمی از این مفهوم در این عبارت وجود داشته باشد. اما شاید ما کمی آن را بیش از حد محدود می‌کنیم و باید با توجه به برخی از متون عهد عتیق که به تفصیل صحبت می‌کنند و آب را در روح با کار آخرالزمانی خدا در تطهیر اسرائیل مرتبط می‌دانند، به تصفیه آب و تطهیر با آب فکر کنیم. بنابراین، ابتدا به متنی مانند اشعیا ۴۴، آیات ۳ تا ۵ نگاه می‌کنیم. من آب را بر زمین تشنه و نهرها را بر زمین خشک خواهم ریخت.

روح خود را بر فرزندان و برکت خود را بر نوادگانت خواهم ریخت. این در نگاه اول تقریباً شبیه یک تشبیه شاعرانه به نظر می‌رسد، ریختن آب بر زمین تشنه، روح من بر نوادگانت، نهرها بر زمین خشک، برکت من بر نوادگانت. به نظر می‌رسد که اینجا کاملاً با هم مطابقت دارند.

بنابراین، ریختن آب راهی برای توصیف تجدید حیات آخرالزمانی قومش توسط خداوند است و سپس بقیه متن نتایج آن را شرح می‌دهد. قوم مانند علف در چمنزار خواهند رویید. به تشبیه اینجا توجه کنید، مانند علف در چمنزار، مانند درختان صنوبر.

یکی خواهد گفت: «من از آن خداوند هستم.» دیگری خود را یعقوب خواهد نامید. دیگری خود را که دست خداوند است خواهد نوشت و نام اسرائیل را بر خود خواهد گرفت.

متن مشابهی در حزقیال ۳۶ وجود دارد، شاید متنی که حتی بیشتر به نکته‌ای که احتمالاً عیسی به نیکودیموس می‌گفت، نزدیک باشد. وعده خدا به اسرائیل این است که من شما را از همه کشورها دوباره جمع خواهم کرد و به سرزمین خودتان باز خواهم گرداند. من آب پاک بر شما خواهم پاشید و شما پاک خواهید شد.

منطقی به نظر می‌رسد. من شما را از تمام ناخالصی‌ها و از تمام بت‌هایتان پاک خواهم کرد. بفرمایید.

من به شما قلبی تازه خواهم داد و روحی تازه در شما خواهم نهاد. قلب سنگی شما را از شما دور خواهم کرد، قلبی از گوشت به شما خواهم داد و روح خود را به شما خواهم داد. نه صرفاً یک نگرش یا دیدگاه جدید به زندگی، یک روح جدید، بلکه این چیزی بسیار ریشه‌ای‌تر از این خواهد بود.

من روح خود را در شما خواهم نهاد و شما را به پیروی از فرامین و حفظ قوانینم سوق خواهم داد. اگر این سنت نبوی مورد اشاره عیسی است، او از اینکه نیکودیموس حساسیت معنوی لازم برای مرتبط کردن آنچه که با یحیی تعمید دهنده و با خدمت خود عیسی در حال وقوع است، با این سخنان نبوی در مورد تطهیر اسرائیل توسط خدا در آینده، ندارد، شگفت زده می‌شود. بنابراین، وقتی عیسی در مورد تولد دوباره از طریق آب و روح صحبت می‌کند، انتظار داشت نیکودیموس آن را با متنی مانند این مرتبط کند، متنی که آیین آب را به هم مرتبط می‌کند و از آن به عنوان استعاره‌ای برای توصیف تجدید معنوی از درون به بیرون، تغییر قلب، قرار دادن روح جدید در فرد استفاده می‌کند، حتی در اینجا، من روح خود را در شما قرار خواهم داد.

بنابراین، به نظر من، این گفته‌ی خدا، آنچه عیسی به نیکودیموس می‌گفت، منطقی‌تر از این ایده است که او فقط در مورد تعمید یا فقط در مورد تولد روحانی صحبت می‌کرد. این برای من خیلی منطقی‌تر است، بنابراین، زاده شدن از آب و روح، شاید راهی برای ترجمه‌ای باشد که بیشتر شبیه زاده شدن از آب باشد، یعنی زاده شدن از روح، آب حتی روح.

بنابراین، این دو کلمه توسط کلمه به هم متصل شده‌اند و دو موجودیت جداگانه ندارند، اما اولی اشاره‌ای به دومی است. این دو اساساً دو روش برای بیان یک چیز هستند. یک سوال تصادفی دیگر در یوحنا ۳ در انتهای فصل، در اینجا برای مسائل مسیح‌شناسی مهم است و آن این است که چه کسی روح را بدون محدودیت می‌دهد؟ ما قبلاً در یوحنا ۳، آیه ۳۴، در خواندن متن قبلی اشاره کردیم که کسی که خدا فرستاده است سخنان خدا را می‌گوید، زیرا خدا روح را بدون محدودیت می‌دهد، که کمی ترجمه تفسیری است زیرا به سادگی می‌گوید که او روح را بدون محدودیت می‌دهد.

این احتمالاً به این معنی است که خدا روح را بدون هیچ محدودیتی به عیسی می‌دهد. این به فصل ۱ برمی‌گردد، جایی که یحیی تعمید دهنده درباره عیسی صحبت می‌کند، و یحیی می‌گوید، مردی که می‌بینید روح بر او نازل می‌شود، کلمات کلیدی، و می‌ماند، و می‌ماند، همان کسی است که در روح القدس تعمید خواهد داد. بنابراین، این واقعیت که روح بر عیسی نازل می‌شود تا بماند، نه اینکه بیاید و برود، شاید به آنچه در اینجا در آیه ۳:۳۴ گفته می‌شود، مربوط باشد، خدا روح را بدون محدودیت می‌دهد.

اگر چنین باشد، پس آیه ۳۴ مصداق مشخصی از آنچه آیه ۳۵ می‌گوید خواهد بود. خدا روح را بی‌حد و حصر به عیسی می‌دهد. پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را به دست او سپرده است.

یعنی، به طور خاص، پدر روح را به عیسی می‌دهد. به طور کلی‌تر، در آیه ۳۵، پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را در دست او قرار داده است. بنابراین من فکر می‌کنم این متن در یوحنا ۳:۳۴ درباره روشی صحبت می‌کند که پدر به عیسی روح می‌بخشد و آنها را به متون بعدی مانند یوحنا ۶ پیوند می‌دهد که در آن عیسی می‌گوید، کلمات من روح و حیات هستند.

و در یوحنا ۷، جایی که او از روحی صحبت می‌کند که از جانب او بر شاگردان نازل می‌شود، از او نهرهای آب زنده جاری می‌شود. بدیهی است که این، راه را برای درک ما از یوحنا ۱۴ تا ۱۶ آماده می‌کند، جایی که ما چندین متن داریم که در مورد تسلی‌دهنده، مدافع و یاور صحبت می‌کنند، همانطور که عیسی در حال رفتن به سمت صلیب و بازگشت به سوی پدر است. او شاگردان را بدون کمک رها نمی‌کند.

همانطور که روح را از پدر دریافت کرده است، هنگام صعود به آسمان، روح را به شاگردان می‌دهد. این دقیقاً همان چیزی است که او در فصل 20، آیه 22 گفت، همانطور که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم تا روح القدس را دریافت کنید. همانطور که ما در مورد رابطه یوحنا 3 و دغدغه‌های الهیاتی فکر می‌کنیم، دوباره در مورد آموزه تثلیث فکر می‌کنیم، نه چندان از نظر آنچه متکلمان ممکن است ویژگی هستی‌شناختی یا متافیزیکی آن را در یوحنا 1 بنامند، در مورد اینکه چگونه کلمه می‌تواند با خدا باشد و در عین حال خدا باشد، بلکه با توجه به اینکه چگونه تثلیث به عنوان پدر، پسر و روح القدس کار رستگاری را در جهان انجام داده‌اند و چگونه از ما دعوت شده است تا به آنها بپیوندیم.

همانطور که پدر مرا فرستاد، عیسی می‌گوید، من نیز شما را می‌فرستم. این چگونه عمل می‌کند؟ خب، بیایید به چند نکته در مورد نحوه‌ی فرستادن عیسی توسط پدر به عنوان نماینده‌اش توجه کنیم. ما در یونانی فعل apostello را داریم و هر دوی این کلمات برای توصیف فرستادن عیسی توسط pempo و در یونانی فعل apostello می‌شوند.

توجه کنید که می‌توانید ببینید که آنها بارها برای توصیف آن به کار می‌روند. بنابراین، عیسی در اصطلاحات حقوقی، چه در دوران باستان و چه در دوران مدرن، نماینده پدر است. اگر به کسی اجازه دهید که در فرآیند فرزندخواندگی یا خرید خانه یا راهنمای مراقبت‌های بهداشتی یا هر چیز دیگری، نماینده شما باشد، آن شخص از نظر قانونی از طرف شما مجاز به صحبت کردن از طرف شما است.

در زبان خاخام‌ها، شالیاخ، نماینده، فرستاده‌ی یک شخص، همان خود آن شخص است. بنابراین، عیسی به عنوان نماینده‌ی پدر می‌آید، کاملاً توسط پدر توانمند شده است. او کار خودش را انجام نمی‌دهد.

او کار پدر را انجام می‌دهد، کارهایی که قرار است انجام دهد، همانطور که در فصل 5 در اورشلیم به روشی بیان خواهد کرد، کارهای پدر است، نه کارهای خودش. بنابراین، صرفاً این نیست که پدر، عیسی را به عنوان نماینده خود می‌فرستد. پدر، روح القدس را می‌فرستد تا عیسی را مجهز کند.

روح القدس بر عیسی نازل می‌شود، ۱.۳۲.۳۳، و بر او می‌ماند. پدر، روح القدس را بدون هیچ اندازه یا به شکلی نامحدود به عیسی می‌دهد. اما نکته جالب در مورد الهیات یوحنا، و شاید یکی از دلایلی که کلمنت می‌خواست از یوحنا به عنوان انجیل معنوی یاد کند، این است که زبان روح القدس که بر عیسی نازل می‌شود، به همین جا ختم نمی‌شود.

عیسی روح را برای تجهیز کلیسای خود می‌فرستد. او با نیقودیموس در مورد لزوم تولد از روح صحبت کرد. زن سامری منجر به اظهار نظر او در مورد اینکه چگونه کسانی که خدا را می‌پرستند باید او را در روح و حقیقت پرستند، شد.

من فکر می‌کنم این چیزی بیش از این است که قلب خود را در برابر خدا راست کنید و در روح پرستش کنید. من فکر می‌کنم این بدان معناست که شما خدا را پرستش می‌کنید، همانطور که روح خدا روح شما را برای راه رفتن با خدا آماده کرده است. در یوحنا ۶:۶۳، کلماتی که من با شما می‌گویم روح است.

روح از عیسی به کلیسا جاری می‌شود. سپس در فصل‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶، به رفتن عیسی اما فرستادن روح به کلیسا اشاره می‌شود، کلیسا را قادر می‌سازد تا آنچه عیسی گفته است را به خاطر بسپارد، به کلیسا کمک می‌کند تا از طریق دوازده حواری که روح را دریافت خواهند کرد، چیزهای جدیدی از عیسی بیاموزد، و سپس در نهایت بر آنها دمیده می‌شود و گفته می‌شود، روح را دریافت کنید تا آنها را مجهز کنید تا نمایندگان او باشند، همانطور که پدر مرا به عنوان نماینده پدر فرستاد، بنابراین من اکنون شما را به عنوان نماینده خود به جهان، به جهان می‌فرستم. در نهایت، همانطور که ویدیو را به پایان می‌رسانیم، نیقودیموس چه نوع

شخصی را برای ما نشان می‌دهد؟ ظاهراً، نیکودیموس در انجیل یوحنا نمایانگر افرادی است که در فصل ۲ به دنبال نشانه‌ها بودند. آنها کارهای زیادی را که عیسی انجام داد دیدند و به نوعی به او ایمان آوردند.

آنها به چیزی در مورد او اعتقاد داشتند. آنها معتقد بودند که او می‌تواند معجزاتی انجام دهد. شاید آنها به سخنان نیکودیموس ایمان داشتند.

او معلمی بود که از جانب خدا فرستاده شده بود. اما عیسی خود را به این افراد متعهد نکرد. او می‌دانست که در درون آنها چه می‌گذرد، که بسیار شبیه به نحوه‌ی عملکرد این موضوع در یوحنا ۶ است. همانطور که در فصل ۸ به طور چشمگیری خواهیم دید، نحوه‌ی استفاده از کلمه‌ی باور در آنجا چگونه است.

شاید نیکودیموس کسی باشد که در این زمان به ما راهی برای نگاه کردن به ذهن و قلب دیگر رهبران اسرائیل می‌دهد. زیرا وقتی عیسی وارد می‌شود و معبد را تمیز می‌کند، حداقل می‌توان گفت که یک عمل سیاسی انجام می‌دهد. او کاری انجام می‌دهد که مسئولین آن مکان را ناراحت می‌کند.

او کاری را انجام می‌دهد که آنها باید برای پاکسازی آن انجام می‌دادند. بنابراین، شما تعجب می‌کنید که رهبران مذهبی به طور کلی در تمام این مدت در مورد عیسی چه فکری می‌کردند. من فکر می‌کنم این موضوع واقعاً در فصل ۷ آشکار می‌شود، جایی که از رهبران اسرائیل به عنوان کسانی که فکر می‌کردند عیسی نمی‌توانست مسیح باشد، نام برده شده است، زیرا آنها فکر نمی‌کنند کسی که از جلیل می‌آید بتواند مسیح باشد.

آنها فکر نمی‌کنند که او واجد شرایط لازم برای مسیح بودن باشد. با این حال، در طول بحثشان در مورد او در آیات ۵۰ تا ۵۲، نیکودیموس به آنها یادآوری می‌کند که آیا قانون به ما نمی‌گوید که قبل از محکوم کردن او، حداقل باید بفهمیم که او چه می‌گوید. ما تعجب می‌کنیم که آیا نیکودیموس در نهایت با شخصی که در سالگی به او اشاره می‌کند، در زمان دفن عیسی نیز مرتبط خواهد بود یا خیر ۱۹.

یوحنا فصل ۱۲ با لحنی غم‌انگیز به این واقعیت اشاره می‌کند که بسیاری از مؤمنان مخفی وجود داشتند. ما آنها را اینگونه می‌نامیم، اما دقیقاً منظور متن نیست. مؤمنانی که عیسی را درک می‌کردند و به نوعی به او ایمان داشتند، حاضر نبودند هزینه تعهد عمومی برای پیروی از او را بپردازند.

در این کتاب آمده است که در سال ۱۲۴۲ آنها نگران جایگاه خود در کنیسه بودند. در فصل ۱۹ آیه ۳۸ به یوسف اهل رامه و همچنین نیکودیموس به عنوان کسانی که جسد عیسی را دفن کردند، دریافت جسد از پیلاتس و اجازه دفن جسد عیسی از پیلاتس اشاره شده است. می‌توان تصور کرد که با این اقدام عمومی آنها در آن زمان کاملاً خود را به عنوان پیروان عیسی پنهان می‌کردند یا حداقل یهودیان خوبی بودند که از اجساد مراقبت می‌کردند.

این موضوع در یهودیت معبد دوم، به ویژه در یکی از کتاب‌های آپوکریفا که در حال حاضر اصطلاح آن را فراموش کرده‌ام، نکته‌ی مهمی بود. بعداً به آن خواهیم پرداخت و برایتان خواهم گفت. بنابراین، آنها نگران این موضوع بودند و به هر معنایی که معنویت آنها را به مراقبت از جسد سوق می‌داد، چه به عنوان یهودیان و وظیفه‌شناس معبد دوم و چه به عنوان رابطه‌شان با عیسی، بسیار قوی‌تر از آن چیزی بود که قبلاً کسی تصور می‌کرد.

آنها می‌خواستند جسد او را دفن کنند زیرا به او ایمان داشتند. بنابراین، نه تنها در اینجا، بلکه حتی در این قسمت‌های بعدی در فصل ۷ و فصل ۱۹ نیز کمی ابهام در تصویرسازی از نیکودیموس وجود دارد. من فکر می‌کنم که اکثر مردم معتقدند که نیکودیموس در نهایت حداقل تا سن ۱۹ سالگی به عیسی ایمان آورد.

اما جالب است که روندی را که در اینجا در جریان بود، ببینیم. می‌توان گفت که نیکودیموس و دیگران مانند او قطعاً در مورد اینکه عیسی کیست کنجکاو بودند. نشانه‌هایی که او انجام می‌داد قطعاً توجه آنها را جلب می‌کرد.

شیوه‌ی تدریس و صحبت کردن او قطعاً جذاب بود و توجه آنها را جلب کرد. با این حال، تا جایی که آنها کنجکاو بودند، آیا کنجکاو آنها فراتر از آن چیزی بود که ما آن را ایمان شجاعانه به او علی‌رغم مخالفت‌ها می‌نامیم یا اینکه آنها آنقدر ترسو باقی ماندند که کار زیادی برای نشان دادن تعهد عمومی به او انجام ندادند؟ بنابراین، فکر می‌کنم سوال اساسی در مورد نیکودیموس، همانطور که به ما مربوط می‌شود، چیزی در همین راستا خواهد بود.

ما اطلاعاتی در مورد عیسی دیده‌ایم که کنجکاو ما را برمی‌انگیزد. می‌خواهیم درباره او بیشتر بدانیم. او مطمئناً معلمی است که از جانب خدا آمده است.

بدون شک نیکودیموس درست می‌گفت. سوال من این است که آیا ما صرفاً به دنبال عیسی هستیم چون در مورد او کنجکاو هستیم، همانطور که ممکن است در مورد هر شخصیت باستانی مشهوری کنجکاو باشیم و به نوعی به زندگی یا ایده‌های آنها علاقه‌مند باشیم، یا اینکه به عنوان کسی که چنین است و خیلی چیزهای دیگر، خیلی بیشتر از همه اینها، به سراغ عیسی می‌رویم. کسی که نه تنها آموزه‌های جذاب یا ایده‌های جالبی را که کنجکاو ما را برمی‌انگیزد به ما ارائه می‌دهد، بلکه کسی است که پیشنهاد می‌دهد ما را از درون به بیرون از طریق چیزی که او آن را تولد تازه می‌نامد، تغییر دهد.

عیسی لزوماً نمی‌خواهد که ما صرفاً نزد او بیاییم و بگوییم که شما معلمی هستید که از جانب خدا آمده‌اید. عیسی می‌خواهد ما نزد او بیاییم و درک کنیم که به چیزی کمتر از تولد تازه نیاز نداریم. ما به چیزی کمتر از قدرت روح خدا در زندگی خود و تطهیری که در عهد عتیق توسط آب به تصویر کشیده شده است، نیاز نداریم.

بنابراین، در پایان این ویدیو، این سوال را از شما می‌پرسم. آیا ما صرفاً اینجا هستیم تا از عیسی مسیح آگاه شویم یا اینکه در حال حاضر در حال تبدیل شدن توسط کار روح او در زندگی خود هستیم؟ متشکرم.

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۵، خدمت اولیه عیسی در اورشلیم است. یوحنا ۱۳:۲-۳:۳۶.